



دانشگاه علامه طباطبائی
دانشکده حقوق و علوم سیاسی

موضوع پایان نامه:

روانشناسی سیاسی رضا شاه و تاثیر آن بر توسعه سیاسی در ایران

استاد راهنما:

دکتر ابراهیم برزگر

استاد مشاور:

دکتر سید مهدی رفیعی

داور:

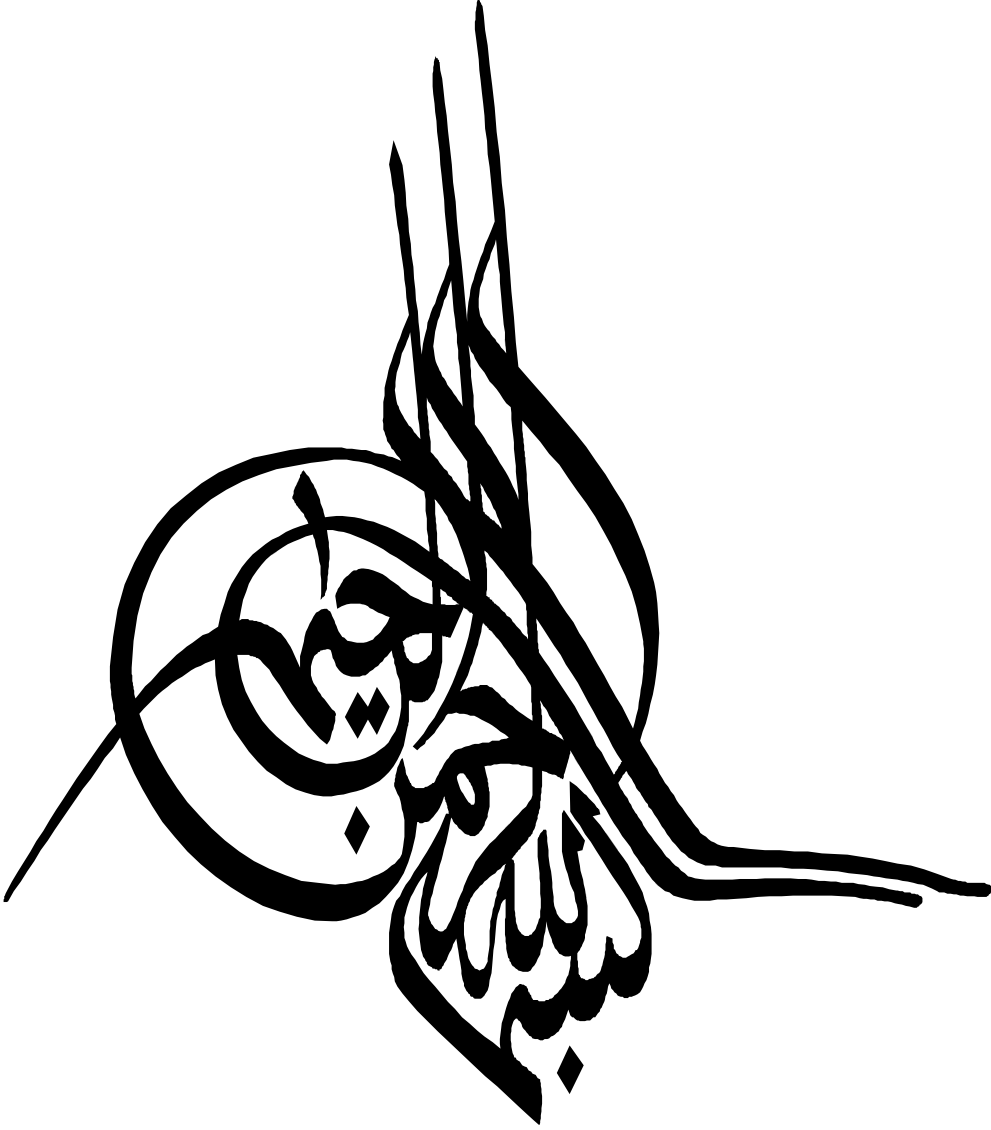
دکتر غلامرضا خواجه سروی

نگارش:

رسول کامران کشتیان

پایان نامه جهت دریافت درجه کارشناسی ارشد علوم سیاسی

سال تحصیلی: 89- 1388



تقدیر و شکر

«من علمنی حرفاً و قد سیرنی عبداً»

«امام علی (ع)»

از آقای دکتر برزگر استاد راهنمای خویش که در شکل گیری این تحقیق زحمات زیادی را متحمل شدند و با همت و تلاش بی بدیل و راهنمایی های روشنگرانه خویش موجبات نُضج یافتن این تحقیق را فراهم ساختند نهایت امتنان را می نمایم و از آقای دکتر رفیعی استاد مشاور خویش که با راهکارهای داهیانۀ خود جهت تبیین داده های تاریخی و فهم تحولات سیاسی معاصر مساعی زیادی را به عمل آوردند صمیمانه قدردانی می نمایم. و همچنین از آقای دکتر خواجه سروی سپاسگزاری می کنم که داوری این پایانامه را بر عهده گرفتند و مطالب راهگشایی را برای اینجانب ارائه نمودند.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
1.....	پیشگفتار.....
3.....	مقدمه.....

بخش اول: چهار چوبهای نظری

فصل اول: کلیات

4.....	1- بیان مسئله.....
4.....	2- متغیرهای مستقل و وابسته و سؤال تحقیق.....
4.....	3- فرضیه.....
5.....	واژه‌های کلیدی تحقیق.....
5.....	الف- توسعه.....
5.....	ب- روانشناسی سیاسی.....
6.....	ج- شخصیت.....
6.....	د- فرهنگ سیاسی.....
7.....	4- روش تحقیق.....
7.....	5- اهداف تحقیق.....
7.....	6- سوابق تحقیق.....
8.....	7- مشکلات و موانع تحقیق.....
8.....	8- سازماندهی تحقیق.....

فصل دوم: نظریه‌های روان شناختی شخصیت

11.....	تعریف شخصیت از نظر روانشناختی و تاریخچهٔ مربوط به آن.....
13.....	نظریه‌های شخصیت:.....
14.....	الف- رهیافت روانکاوی فروید:.....
14.....	ب) رهیافت روانکاوی نوین.....
14.....	تئوری شخصیت آدلر.....

- 15..... کارن هورنای و تضادهای اساسی شخصیت
- 15..... عوامل بوجود آورنده شخصیت
- 15..... الف - وراثت
- 16..... هنری ماری و نیازهای اساسی در شکل گیری شخصیت
- 18..... ب - محیط

فصل سوم : نظریه های اقتدارطلبی و جباریت

- 20..... تعاریف و تاریخچه مربوط به اقتدارطلبی
- 21..... الف - افلاطون :
- 22..... ب - ارسطو :
- 23..... ج - ماکیاول :
- 24..... ویژگیهای شخصیت اقتدارطلب
- 24..... دیدگاه فروید در مورد شخصیت اقتدارطلب
- 25..... عوامل بوجود آورنده شخصیت اقتدارطلب از دیدگاه کارن هورنای
- 26..... اصل حقارت و پدیده جبران در رابطه با شخصیت اقتدارطلب
- 27..... خودشیفتگی
- 28..... پدیده ترس عامل اصلی اقتدارطلبی و تئوری ترس مانس اشپربر
- 29..... صفات ویژه رهبری
- 30..... صفات رهبر از دیدگاه افلاطون
- 31..... ماکس وبر و رهبری
- 31..... روانکاوی رهبران سیاسی
- 32..... تقسیم بندی رهبران سیاسی از دیدگاه هارولد لاسول
- 32..... 1- شخصیت سیاسی آشوبگر
- 32..... 2- ریخت اصلاح گر
- 33..... 3- ریخت مدیر
- 33..... تأملی در نظامهای سیاسی و کارویژه های دولت و رابطه آن با شخصیت اقتدارطلب
- 35..... ویژگی دولتهای اقتدارطلب
- 36..... شاخصهای مشترک دولتهای اقتدارطلب
- 36..... انواع رژیمهای سیاسی

- 36 الف - دولت مطلقه
- 37 ب - توتالیتر
- 38 ج - جامعه سیاسی سنتی و پاتریمونیا

فصل چهارم : نظریه های توسعه

- 40 توسعه، تعاریف، مفاهیم، شاخصها و تئوریهای مربوط به آن
- 41 نظریه های توسعه
- 42 الف : توسعه فرهنگی
- 45 ب : توسعه اقتصادی
- 46 ج : توسعه سیاسی
- 48 تعاریف توسعه سیاسی از منظر اندیشمندان سیاسی
- 49 شاخصها و مؤلفه های توسعه سیاسی
- 51 فرهنگ سیاسی
- 51 تعاریف فرهنگ از منظر انسان‌شناختی
- 52 فرهنگ سیاسی از دیدگاه آلموند و پای
- 53 ریشه های فرهنگ سیاسی
- 54 آنتونیو گرامشی و پدیده هژمون
- 55 توسعه نیافتگی چیست و از کجا ناشی می‌شود؟
- 56 توسعه نیافتگی و رابطه آن با توسعه نیافتگی
- 58 عوامل تأثیرگذار در فرایند توسعه نیافتگی غرب
- 59 اصول و وجوه مشترک در فرایند توسعه
- 60 دولت به مثابه مرکز ثقل توسعه و توسعه نیافتگی
- 61 دولت و حضور نظامیان در سیاست
- 62 توسعه و موانع آن در ایران
- 62 ارزشها و هنجارهای تأثیرگذار در فرهنگ سیاسی مردم ایران
- 65 عناصر دخیل در عدم توسعه فکری و فرهنگی جامعه ایران در ادوار مختلف
- 6 فردیت، هویت و قدرت
- 67 ویژگیهای فردی و عادات اجتماعی و رابطه آن با قدرت
- 69 تئوری بازتولید فرهنگ سیاسی استبدادی

بخش دوم: روانشناسی سیاسی رضاشاه

70.....: الگوی تبیین

فصل پنجم: نگاهی اجمالی به زندگی رضاخان

73..... تولد

74..... محیط نشو و نماي رضاخان

75..... محیط تازه و ورود در قزاقخانه

76..... تهوّر و تحوّل در زندگی

فصل ششم: رضاخان در مرکز توجه قدرت

79..... انگلیس و نقش آنها در فراز و فرود حکومت رضاخان

80..... اردشیر جی و کشف رضاخان

82..... ماجرای کودتای 1299 و نقش انگلیس در آن

83..... دلیل انتخاب رضاخان از جانب انگلیس برای پادشاهی

85..... روشنفکران و حکومت رضا شاه

فصل هفتم: تحلیل شخصیت رضاشاه با رویکرد روانشناسی سیاسی

93..... روانشناسی سیاسی مکانیسمی جهت تحلیل شخصیت

94..... تأملی در تاریخ شفاهی و تاریخ نوشتاری ایران و نقش خدایان قدرت در آن

95..... آشفتهگیهای تاریخی جهت کتمان حقایق

101..... شکل‌گیری شخصیت رضاخان و عوامل تأثیرگذار در آن

106..... تأملی در شخصیت رضاخان در ماجرای کودتا

113..... ساختار شخصیتی رضا شاه و اثرات پیرامونی آن بر جامعه ایران

114..... الف - عقده قدرت

117..... ب - عقده پرستیژ و شخصیت

119..... ج - عقده ثروت

فصل هشتم: تأملی در ساختار سیاسی قدرت و حکومت رضا شاه

123..... تأملی در ساختار سیاسی قدرت و حکومت رضا شاه

130..... سلطه بر قوه مجریه

131..... سلطه بر قوه مقننه

133..... سلطه بر قوه قضائیه

134	رضا شاه و مذهب
142	رضاشاه و كشف حجاب
144	سياست خارجى رضاشاه
151	نتيجه :
163	منابع و مأخذ :
169	مقالات

پیشگفتار

بی شک در تاریخ تحولات سیاسی ایران سقوط قاجار و ظهور رضاخان پهلوی در عرصه سیاسی از نقاط عطف تاریخی این ملک می‌باشد، چرا که با توجه به تحولات بین‌المللی و قدم گذاردن ایران در روند نوسازی از یک سوی و سایه سنگین مدرنیته و چالش‌های عمده‌ای که فرا روی سنت و مدرنیته به تبع مدرنیزاسیون همه جامعه ایران را فرا گرفت. از سوی دیگر، فهم دقیق و تدبیر در این برهه از تاریخ ایران، اهمیت شایانی یافته است. روندی که با ظهور رضاشاه تمامی معادلات و گفتمان سیاسی حاکم بر جامعه ایرانی را از بیخ و بن به چالش کشید و فی الواقع در بسترهای مختلف اجتماعی به طرد و نفی فرهنگ جامعه و سنت‌های حاکم بر آن پرداخت و با ابداع ایدئولوژی ناسیونالیسم باستان‌نگرایانه که هیچ‌گونه سنخیتی با سنت‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه نداشت چه از حیث مذهبی و چه از منظر ملی موجبات گسست در لایه‌های مختلف اجتماعی را فراهم ساخت و در نهایت در حالی که به زعم خود با طرد و نفی مذهب و ملیت‌های گوناگون در جامعه ایران خواهند توانست به یک نوع همگرایی جهت تحکیم اقتدار حکومت ملی دست یازند در عمل موجبات واگرایی هر چه بیشتر جامعه را فراهم ساختند و با سطحی‌نگری و عدم درک از مناسبات اجتماعی مردم و فرهنگ سیاسی حاکم بر آن بدون اینکه از شاکله‌فکری و فرهنگی‌وروان شناختی مردم این سرزمین معرفتی جامعه شناختی داشته باشند به تزریق هنجارهای ارزشی خود و تسری دادن آن به دیگر بخش‌های جامعه برآمدند و جهت محقق نمودن این کار بست‌های سیاسی از بدترین راهکار ممکن استفاده کردند.

آنچه شایان ذکر است این می‌باشد که مردم ایران بعد از جنگ‌های ایران و روس به این درک از واقعیت‌های اجتماعی دست یافتند که جهان پیرامون آنان به رشد و توسعه بس عمیق دست یافته است و سبب و علت اصلی تن در دادن به شکست‌های خفت بار در مقابل روس‌ها ریشه و خاستگاه اصلی اش عقب ماندگی در ابعاد مختلف، اعم از فکری و فرهنگی و صنعتی می‌باشد و تا زمانی که این موانع مرتفع نگردد جامعه ایرانی در عقب ماندگی مطلق بسر خواهد برد.

لیکن روشنفکران بسیاری با عدم درک از مناسبات اجتماعی در رابطه با ایران از یک سوی و دچار شدن به عقده‌های حقارت در رابطه با مظاهر تمدن غرب و شیفته شدن به ظاهر و زرق و برق آن چنین پنداشتند که گویی عامل اصلی عقب ماندگی جامعه ایرانی سنت‌های حاکم بر این جامعه به همراه مذهب و دین اسلام می‌باشد. و با زدودن مظاهر فرهنگی اسلام و جایگزین ساختن آن با فرهنگ و تمدن ایران پیش از اسلام و پوشاندن

کسوت پر زرق و برق غربی بر جامعه، آن هم بدست یک شخص مستبد و خودرأی می‌توان جامعه ایران را از عقب ماندگی نجات داده و آن را در ردیف کشورهای پیشرفته از نوع غربی قرار داد که از این رهگذر با کج فهمی کشور ایران را با تباهی‌های بس عمیقی مواجهه ساختند و با پرداختن به ظواهر امر و بوجود آوردن کاریکاتوری از توسعه چنین توهمات را به خورد جامعه دادند که گویی رضاشاه منجی و نجات بخش ایران بوده است و وی به مثابه قهرمان ملی کسی است که ایران را از عقب ماندگی رها ساخته است و عامل اصلی نوسازی در ایران وی می‌باشد.

لیکن به فراخور موضوع مورد بحث و گرفتن غبار غفلت و نیرنگ، تزویر و نیرنگ از روی حقایق تاریخی با بهره‌گیری از عنصر میان رشته‌ای روانشناسی سیاسی، این تحقیق عزم خود را بر این امر استوار ساخت تا با استفاده از اهرم‌های روان شناختی و بهره‌جستن از مبانی توسعه و تطبیق دادن تئوریهای روانشناسی با نظریه‌های علوم سیاسی، توسعه در ابعاد مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی را بر خلاف داعیه داران توسعه و نوسازی در ایران از اوان شکل‌گیری حکومت پهلوی تشریح و تبویب نماید و مبانی تاثیر گذار در توسعه از جنبه روان شناسی شخصیت را مورد مذاقه قرار دهد؛ و در نهایت تصویری شفاف از رخدادهای اجتماعی و سیاسی ایران را با توجه به شخصت و رفتارهای سیاسی رضا شاه به نمایش گذارد که واقعیت امر در راستای توسعه و نوسازی در ایران و عوامل دخیل در آن از چه زمینه روانشناختی، سیاسی و فرهنگی بوده است.

مقدمه

در فرایند پویای تاریخ‌های تاریخی جهت تبیین هرچه بهتر تحولات و وقایع رخ داده در طی زمان و اثرات آن در درازمدت بر روی پدیده‌های سیاسی، فرهنگی، اجتماعی بضروره بهره‌گرفتن و فایده‌یافتن از عناصر جامعه‌شناختی و روان‌شناختی اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

تحقیق پیش‌روی از این رهگذر مشتمل بر ابعاد مختلف جامعه‌شناسی تاریخی، جامعه‌شناسی سیاسی و روان‌شناسی، عزم خود را بر این امر استوار ساخته است تا با توجه به رویکردهای فوق‌به‌کندو کاو در یک مقطع تاریخی خاص از زاویه دید روان‌شناختی جهت بررسی شخصیت رضاشاه و عوامل تاثیرگذار در توسعه سیاسی در این دوره از تاریخ این مرز و بوم بپردازد که در واقع در فرآیند توسعه در ابعاد مختلف شایان توجه خاص می‌باشد؛ چرا که در این ادوار تاریخی با امعان نظر در چارچوب‌های سیاسی حاکم بر محیط سیاسی داخلی و بین‌المللی و شکل‌گیری دولت با مولفه‌های مدرن، رخ‌دادهای بس عمیقی در این مُلک به وقوع پیوست که صرفاً جهت درک واقعی از سرمنشاء این حوادث سیاسی با توجه به بن‌مایه‌های روان‌شناسی سیاسی و تحلیل و تبویب شخصیت رضاشاه و کاربست‌های توسعه سیاسی و موانع پیش‌روی آن، می‌توان آفتاب حقیقت را بر این مقطع تاریخی تابانید.

آنچه در پویای و رهیافت سیاسی و روان‌شناختی حائز اهمیت می‌باشد و به نوعی همیشه فضای سیاسی و فرهنگی حاکم بر پژوهش‌های علمی را مشوه نموده است اغماض و چشم‌پوشی از مولفه‌های شناخت‌شناسی و درک و فهم منهای معرفت‌های علمی از پیش‌زمینه‌های شکل‌گیری شخصیت از حیث روان‌شناسی سیاسی و عناصر توسعه‌بویژه از جنبه توسعه سیاسی و فرهنگ سیاسی در ایران است که این تحقیق برای شفاف‌سازی فضای سیاسی حاکم بر این دوره بویژه تصمیمات رضاشاه و تبعات آتی آن بر جامعه ایران اهتمام‌وآفری با توجه به مؤلفه‌های روان‌شناختی و عناصر توسعه‌اعم از فرهنگی و سیاسی را از خویش نشان داده است.

بخش اول:

چارچوب‌های نظری تحقیق

فصل اول:

کلیات تحقیق

1 - بیان مسئله

با شکل‌گیری دولت ملتها در کشورهای جهان سوم و سمت و سو یافتن این کشورها در بستر توسعه، نوسازی و ایجاد تحول در ساختار نظام سیاسی و فرهنگ سیاسی آنها، کشور ما هم در یک برهه زمانی با پروسه‌ای که بعد از انقلاب مشروطه بوجود آمده بود آرام آرام در راه دموکراتیزه شدن و رهایی از نظام سلطه پادشاهی و بسط و گسترش آزادیهای عمومی قرار گرفته بود. لیکن با به وجود آمدن دولت اقتدارطلب و خودکامه رضاشاه با یک دگردیسی سیاسی در جامعه ایران، به گونه‌ای دیگر چالشی بزرگ در راه فرایند توسعه و نوسازی سیاسی ایران پدیدار گردید که از روحيات و خلییات در کل شخصیت رضاشاه در این فرآیند مؤثر بوده است.

از آنجایی که شخصیت، انگیزش، هویت و ارزشها و هنجارهای حاکم بر روح و روان به همراه هیجانات وارد شده از محیط سیاسی نگرشهای فرد در رفتار سیاسی را شکل می‌بخشد؛ و شخصیت فرد عامل روان‌شناختی مهمی در تأثیرگذاری بر رفتار سیاسی محسوب می‌شود. این تحقیق با امعان نظر به روانشناسی سیاسی به عنوان یک رهیافت میان رشته‌ای با بهره‌گیری از مؤلفه‌های روان‌شناختی به تحلیل رفتار و تصمیم‌های سیاسی رضا شاه می‌پردازد و در پی ارتباط ماهوی بین عدم توسعه سیاسی و مبانی آن و شخصیت رضا شاه و رفتارهای سیاسی وی بوده و به بررسی فرایندهای ذهنی وی جهت شاخص‌سازی و فهم رفتار سیاسی او خواهد پرداخت.

2 - متغیرهای مستقل و وابسته و سؤال تحقیق

شخصیت و فرایندهای ذهنی رضا شاه بعنوان متغیر مستقل این تحقیق می‌باشد و اتخاذ تصمیمات رضا شاه در زمینه توسعه متغیر وابسته خواهد بود.

سؤال اصلی تحقیق عبارت است از: آیا شخصیت و فرایندهای ذهنی رضا شاه در اتخاذ تصمیمات وی

درباره توسعه و موانع پیش روی آن دخیل بوده است؟

3 - فرضیه

رفتارهای سیاسی در عرصه عمل نشأت گرفته از روحيات فردی و منویات شخصی فرد و درواقع کنش و

عمل سیاسی افراد در خواستگاه فکری و روان‌شناختی آنها نهفته است و با توجه به اینکه تحلیلهای سیاسی مربوط به وقایع و حوادثی که تصمیم‌سازیهای فردی در بوجود آمدن آنها نقش بارزی ایفا می‌کند تحلیلهای روانشناختی پیرامون ویژگیهای فردی و روحیات وی راه‌گشای ما در درک و فهم حوادث سیاسی و تصمیمات اتخاذ شده خواهد بود. بدین جهت فرضیه ما عبارت است از اینکه ویژگیهای شخصیتی رضا شاه یکی از عوامل عدم تحقق توسعه سیاسی و ایجاد ساخت دولت اقتدارطلب بوده است و مؤلفه‌هایی همچون وراثت، تربیت خانوادگی، محیط فرهنگی، محیط اجتماعی، محیط نظامی و نقش روشن فکران و نخبگان سیاسی در شکل‌گیری شخصیت و هیجانات و انگیزش رضا شاه تعیین کننده بوده است.

واژه‌های کلیدی تحقیق

الف - توسعه :

توسعه که ابعاد وسیع و جنبه‌های گسترده حیات اجتماعی را در بر می‌گیرد مشتمل بر دگرگونیها و سیر تحولات اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی انسانها می‌باشد و در معنای لغوی خود عبارت است از گسترش، تعامل، پیشرفت و بهبود و رشد همه جانبه زندگی و حیات اجتماعی انسانها اعم از ابعاد معنوی و مادی آن. ظرفیت‌سازی در نظام اجتماعی جهت برآورده ساختن احتیاجات جامعه، ایجاد ارتباط و هماهنگی در زمینه‌های مختلف در بالندگی اقتصادی و رفاه، رشد نهادهای مدنی و ایجاد بستر مناسب برای تثبیت حقوق مردم در مقابل نهاد دولت و شناسایی حقوق ملت از جانب حکومت و تقویت نهادهای اجتماعی و توزیع قدرت و بالا بردن سطح فرهنگ آحاد ملت، به نحوی که همه این عناصر عاملی جهت تقویت همدیگر گردد و موجب پایایی و استمرار توسعه شود.

ب - روانشناسی سیاسی

روانشناسی سیاسی بعنوان عرصه‌ای نوین و حوزه‌ای جدید و میان رشته‌ای از علوم اجتماعی است که علاوه بر علوم سیاسی و روانشناسی مشتمل بر مباحثی از جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و تاریخ‌شناسی و بسیاری از دیگر حوزه‌های علوم اجتماعی می‌باشد؛ که با هدف تحلیل رفتارهای سیاسی رهبران، شخصیت‌های سیاسی، گروهها و افراد براساس نظریه‌ها و مفاهیم آن، به درک عمیق‌تر رفتارهای سیاسی همت می‌گمارد و در فهم و درک

بسیاری از جنبه‌های رفتار سیاسی راه‌گشای ما می‌باشد تا با استمداد از فرایندهای شناختی و تجزیه و تحلیل جنبه‌های رفتاری به پویای سیاسی، در عرصه قدرت و تصمیمات اتخاذ شده بپردازد.

چنین فرایند شناختی اهتمام وافر خود را معطوف بر این داشته است تا با آشنایی با مبانی روانشناختی، سیاست، جامعه و تاریخ هر چه بهتر به تحلیل و تبیین رفتارهای سیاسی گروهها و ملتها و اشخاص سیاسی و رهبران سیاسی پرداخته شود تا بستری مناسب جهت درک عمیق‌تر از رفتارهای سیاسی، تصمیمات و کنشها و واکنشهای اشخاص با توجه به عوامل شخصیتی فراهم گردد چرا که عنصر شخصیت و عوامل بوجود آورنده آن شاکله رفتاری وی را رقم می‌زند و از این منظر می‌باشد که روانشناسی سیاسی مدعی آن است که جهت پی‌بردن به ریشه تمامی عوامل سیاسی در راستای تکاپوی روانشناختی و تحلیل سنجه‌های روانی نهفته است و روانشناسی سیاسی کاربردی مهمی در فرایند شناخت و درک رفتارها و تصمیمات و واکنشهای اشخاص و رهبران سیاسی می‌باشد.

ج - شخصیت

شخصیت الگوی رفتاری و شیوه تفکر و مجموعه‌ای از صفات و ویژگیهای پایدار و ماندگار هر کس می‌باشد که مشابهت‌ها و تفاوت‌های رفتاری و روانشناختی را که دارای تداوم زمانی بوده است و ممکن است به واسطه هیجانات و انگیزشهای اجتماعی و زیست‌شناختی در موقعیتهای خاص بروز نمایند را در بر می‌گیرد.

شخصیت بازتابی از خصایص نفسانی است و به مثابه نقاب یا ماسکی است که فرد برای تطابق با محیط پیرامون خویش که نوعی بازیگری در صحنه نمایش می‌باشد بر چهره خویش می‌زند.

شخصیت همان خصوصیات غالب و شاخص فرد می‌باشد که با تمسک بدان واکنشهای خویش را نسبت به جهان و محیط پیرامون خود نمایان می‌سازد و نحوه تعامل فرد را از حیث روانی و رفتاری، چه در بُعد فردی و چه از جنبه اجتماعی به نمایش می‌گذارد.

د - فرهنگ سیاسی

فرهنگ سیاسی جهت‌گیری ذهنی گروههای اجتماعی یا افراد نسبت به سیاست که الگوهای رفتار سیاسی را شکل می‌دهد، می‌باشد. نظام باورها و ارزشهای اجتماعی و ادراک ذهنی از تاریخ و سیاست، ایستارها و

هنجارهای حاکم بر جامعه، نوع سلوک، طرز و شیوه اخلاقی، نوع اندیشگی، ارزشها و شاخصهای فرهنگی و سیاسی خاص در زمره فرهنگ سیاسی یک ملت می‌باشد.

واژه فرهنگ سیاسی قسمت عمده‌ای از مجموعه واقعیت‌های اجتماعی را در خویشتن جای می‌دهد که ارزشهای حاکم بر توده ملت را شامل می‌شود.

بسیاری از ابعاد و زمینه‌هایی که مشتمل بر سنت‌های فرهنگی، سیاسی، شعور و عواطف حاکم بر جامعه، اغراضی که از ایدئولوژی خاص نشأت گرفته و قوانین و مقررات رسمی و غیر رسمی که در معادلات سیاسی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد همگی بخش اعظمی از فرهنگ سیاسی یک کشور را بوجود می‌آورد.

4 - روش تحقیق

روش تحقیق ما با متمرکز شدن بر روی داده‌های تاریخی بصورت توصیفی و تاریخی، جهت پردازش هرچه بهتر و بازنمایی و واکاوی و بازتابانیدن برهه‌ای خاص از تاریخ ایران بر مبنای عناصر جامعه‌شناسی تاریخی، روانشناسی اجتماعی، روانشناسی سیاسی خواهد بود و روش گردآوری اطلاعات و داده‌ها براساس روش کتابخانه‌ای می‌باشد.

5 - اهداف تحقیق

بکارگیری مؤلفه‌های روانشناختی و نظریه‌های روانشناسی شخصیت بعنوان یک عامل اساسی در جهت درک و فهم هر چه بهتر پدیده‌های سیاسی و تصمیم‌های اتخاذ شده در این حوزه با تمرکز بر روی شخصیت رضا شاه و تبیین رفتارهای سیاسی وی و بهره‌گیری از فرایندهای شناختی و دخیل بودن پروسه‌های ذهنی در شکل‌گیری شخصیت، هنجارها، ارزشها و ارتباط تنگاتنگ آنها با محیط سیاسی و نقش این عوامل در توسعه و تسهیل در راه شناخت موانع آنها در زمره اهداف تحقیق است.

6 - سوابق تحقیق

علی‌رغم اینکه به شکلی مبسوط و دامنه‌دار پیرامون وقایع مربوط به سلطنت رضا شاه و شخص وی بحث و فحص زیادی انجام یافته است و پژوهش‌های علمی و متقنی بعمل آمده است لیکن تحلیل پدیده‌های سیاسی از

منظر روان‌شناسی سیاسی در این مقطع زمانی و اولویت بخشیدن به فرایندهای شناختی بر پایه شخصیت، کمتر پژوهشی را مشاهده می‌کنیم و در کل آنطور که باید و شاید از روانشناسی سیاسی جهت پردازش داده‌های سیاسی در ایران کمتر بهره‌گیری می‌شود و صرفاً به جز آثار ابراهیم برزگر و علی فتحی آشتیانی چیزی در این عرصه به چشم نمی‌خورد و همچنین می‌توان به کتابی با عنوان روانشناسی رضا شاه که مرتضی صادق‌کار نگاشته است اشاره نمود که متأسفانه علی‌رغم اینکه در زمره اولین‌ها در رابطه با روانشناسی رضاشاه می‌باشد لیکن از جهت عدم کاربست متدهای علمی فاقد هرگونه مؤلفه‌های متدشناسی و روش تحقیق می‌باشد و کتاب ضعف‌های اساسی از حیث روش تحقیق را دارا می‌باشد و آشفتگی‌های زیادی در ارائه مطالب دارد که هیچگونه مأخذی جهت ارائه مطالب عنوان نمی‌کند و این نیز از استفاده از کتاب و بهره‌مند شدن از آن را مشکل می‌سازد و خواننده را سر در گم می‌نماید علی‌رغم اینکه محسنات خاص خود را نیز دارا می‌باشد. به هر تقدیر نظر به عدم توجه کافی به روانشناسی سیاسی و به ویژه در رابطه با رضاخان تا حال مطالب عنوان شده چیزی در حد صفر می‌باشد. بر این اساس در این مجمل از زاویه دید خاصی که نشأت گرفته از نظریه‌های روانشناختی جهت تبیین بینش‌های سیاسی می‌باشد بهره‌گیری خواهد شد که در راستای فهم یک ارتباط منطقی بین فرایندهای سیاسی، فرهنگی و اجتماعی و روانشناسی و تنگناهای موجود در راستای بسط و گسترش توسعه سیاسی در این دوره به تبیین علتها و عوامل موجود می‌پردازیم که این مؤلفه‌ها یاریگر ما در درک هر چه بهتر موانع پیش روی توسعه در دوره زمانی مورد مطالعه خواهد بود.

7 - مشکلات و موانع تحقیق

نظر به بکر و تازه بودن روانشناسی سیاسی بعنوان یک مؤلفه میان رشته‌ای و تحلیل و بررسی ابعاد روانشناختی رفتار سیاسی رضا شاه و کمبود منابع موجود، از این حیث بعنوان موانع پیش روی تلقی می‌گردد و از آنجا که در ایران این مبحث کمتر مورد توجه بوده است تنگناهای خاص خود را دارا می‌باشد.

8 - سازماندهی تحقیق

این تحقیق در برگیرنده یک مقدمه و دو بخش می‌باشد که در هشت فصل تنظیم شده است و در نهایت با نتیجه‌گیری به پایان می‌رسد.

فصل اول به تعاریف و کلیات مباحث مربوط می‌شود که شامل بیان مسئله، هدف تحقیق، متغیرهای مستقل و وابسته، فرضیه، روش تحقیق، سوابق تحقیق، موانع تحقیق و سازماندهی تحقیق می‌باشد. در فصل دوم به تئوریه‌ها و نظریه‌های مربوط به روانشناسی شخصیت پرداخته می‌شود و اینکه شخصیت چیست و چگونه شکل می‌یابد و متفکران و علمای روانشناسی چه طرز تلقی از شخصیت دارند و کدامین عناصر را در شکل‌گیری آن حائز اهمیت می‌دانند و چه راهکارهایی را برای شناخت بیشتر شخصیت از جنبه‌های مختلف روانشناسی عنوان می‌دارند و در راستای شخصیت اقتدارطلب و خودشیفته کدامین مؤلفه‌ها شایان اهمیت است و برای تحلیل جنبه‌های روانی شخصیت، از جنس اقتدارطلب کدامین ویژگیها را باید در مرکز توجه قرار باید داد و اینکه از حیث شکل‌گیری شخصیت، وراثت و محیط هر کدام به چه نحوی و به چه درجه‌ای در ساختار وجودی فرد تأثیرگذار می‌باشد، مورد کنکاش واقع گردیده است.

در فصل سوم در رابطه با جباریت و حدود و ثغور استبداد از جنبه‌های مختلف و آرای متفکران و فیلسوفان متعدد بحث به میان آمده است و اینکه اصلاً جباریت چیست و در جریان تاریخ چگونه بوجود آمده است و در میان ملل گوناگون چه رویکردی نسبت به این پدیده مورد توجه واقع شده است و دولتها و ساختارهای فرهنگی و سیاسی چه اقتضائاتی را دارا می‌باشند و حاکمان مطلق‌العنان چگونه کمال و آرزوهای خود را بر گرده مردم تحمیل می‌کنند و همچنین نظامهای سیاسی در جوامع مختلف مورد بحث و فحص واقع گردیده و رژیمهای مختلف از منظر علما و متفکران سیاسی مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است و جوامع اعم از تکثرگرا، توتالیترا، نظامهای بسته سیاسی و توده‌ای و دولتهای مطلقه و پدرشاهی و پاتریمونیالیسم از زوایای گوناگون و کارکردهای آنها مورد مذاقه و تدقیق و تشریح قرار گرفته است.

در فصل چهارم توسعه از ابعاد مختلف آن اعم از فرهنگی، اقتصادی و سیاسی با امعان نظر به تعاریف مختلف و رویکردهای متفاوت و موانع پیش روی آن در جوامع جهان سوم مورد تجزیه و تحلیل واقع شده است و در ادامه بر فرهنگ سیاسی و نوسازی و دگرگونی در کشور ایران و موانع پیش روی توسعه در این کشور پرداخته شده است و اسباب و عللی که در پیشبرد توسعه همه جانبه کشور محدودیتهای خاص خود را اعمال نموده است، اشارت رفته است.

در فصل پنجم به تولد و محیط زندگانی و حیات رضاخان پرداخته می‌شود.

فصل ششم معطوف به رضاخان در مرکز توجه قدرت می‌باشد و اینکه چه عوامل و عناصری وی را بدین

سمت سوق دادند و اهداف و اغراض آنان مورد توجه واقع شده است. در فصل هفتم به عوامل مؤثر در شکل‌گیری شخصیت وی اشاره شده است و اینکه با توجه به تئوریهای روانشناختی شخصیت، دانشمندی همچون آدلر و کارن هورنای و مانس اشپربر و هارولد لاسول به چگونگی شکل‌گیری شخصیت رضاخان و تأثیرات پیرامونی آن بر رفتارهای سیاسی وی و درنهایت دخیل بودن شخصیت وی در راستای توسعه و موانع پیش‌روی آن و تحلیل و تشریح شخصیت رضاخان پرداخته شده است که چگونه با تصمیمات مبتنی بر شخصیت اقتدارطلبانه خود موجب واگرایی‌های سیاسی و فرهنگی و اقتصادی گردیده است و صرفاً با تظاهر به شخصیتی مقتدر به جبران عقده‌های روانی حاکم بر روح و روان خویش پرداخته است و در این اثنا، لطمات جبران‌ناپذیری را بر جامعه ایران تحمیل نموده است.

و در فصل هشتم به تأملی در ساختار سیاسی قدرت و حکومت رضاشاه پرداخته شده است.